اخبار

کتاب بیانات امام خمینی(ره) در دوران دفاع مقدس رونمایی شد

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس از اثر جدید خود «صحیفه دفاع» شامل بیانات امام خمینی (ره) در سال‌های دفاع مقدس رونمایی کرد.

این‌مرکز که تاکنون آثار متعددی در خصوص نقش امام در رهبری و فرماندهی و ایجاد وحدت و امید در میان ملت ایران منتشر کرده، اکنون در اقدامی جدید دست به انتشار کتاب جدیدی با عنوان «صحیفه دفاع» زده است. این کتاب در خصوص بیانات حضرت امام خمینی (ره)، پیام‌ها و احکام ایشان در دوران دفاع مقدس است.

مراسم رونمایی با توجه به وضعیت ناشی از شیوع ویروس کرونا بدون حضور رسانه‌ها برگزار شد. به‌منظور آشنایی بیشتر با این کتاب، با «مرتضی قاضی»، مدیر گروه مطالعات فرهنگی اجتماعی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به گفتگو پرداختیم.

این‌برنامه مرتضی قاضی مدیر گروه مطالعات فرهنگی اجتماعی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، گفت: مرحوم دکتر حسین اردستانی، ۱۰ سال پیش در خصوص نقش بی‌نظیر و منحصربه‌فرد حضرت امام (ره) در دوران دفاع مقدس فعالیت‌هایی را آغاز کرده بود که برخی از آن‌ها در زمان حیاتشان منتشر شده است. مرکز اسناد تاکنون پنج جلد کتاب در رابطه با موضوع دفاع مقدس در کلام حضرت امام، در پنج موضوع مشخص «صلح»، «چیستی و چرایی جنگ»، «خاورمیانه و کشورهای اسلامی»، «حزب بعث و صدام» و «نظام جهانی» منتشر کرده است. البته کتاب‌هایی همچون «بررسی مواضع نظامی امام خمینی (ره)» نوشته دکتر رسول افضلی و «قدرت متعالی؛ الگوی قدرت جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس» نوشته دکتر یعقوب نعمتی وروجنی را هم طی سه سال اخیر منتشر کرده است که از زوایای مختلف، به ابعاد گسترده نقش رهبری حضرت امام خمینی در جنگ می‌پردازد. همچنین گروه مطالعات فرهنگی اجتماعی کتاب «کارویژه امام در فرماندهی نظامی جنگ» را نیز در دستور کار خود دارد.

وی با اشاره به نقش بی‌بدیل حضرت امام در دفاع مقدس تأکید کرد: به طورکلی تعبیر «دفاع مقدس» از «جنگ ایران و عراق» حتماً مرهون نگاه حضرت امام است. در سال‌های ابتدایی جنگ، از عبارت «جنگ تحمیلی عراق علیه ایران» در توصیف جنگ استفاده می‌شد اما از زمانی به بعد، حضرت امام خمینی (ره) از تعبیر دفاع مقدس برای توصیف و تبیین این جنگ استفاده کردند. به عبارت دیگر، ملت ایران در جنگ از طرف رژیم بعث عراق مورد تجاوز قرار گرفت و مجبور به دفاع از مرزهای وطن و مرزهای اعتقادی خود شد که مؤلفه‌های این دفاع باعث شد امام تعبیر دفاع مقدس را برای این جنگ به کار ببرند. این تعبیر حتماً مرهون و مدیون حضرت امام و نگاه ایشان بوده است.

مدیر گروه مطالعات فرهنگی اجتماعی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس با اشاره به انتشار کتاب «صحیفه دفاع» گفت: تحقیق و تدوین این کتاب توسط کارشناسان پژوهشی مرکز انجام گرفته است. در این کتاب، سخنان حضرت امام در دفاع مقدس از ابتدای شروع جنگ به‌صورت روزبه‌روز از ۳۱ شهریور تا ۲۸ فروردین سال ۱۳۶۸ از کتاب صحیفه نور امام استخراج شده و به هر مطلبی که حضرت امام در مورد جنگ ایران و عراق بیان کرده‌اند، پرداخته شده است. در حقیقت این روزشمار فقط شامل بیانات نیست، بلکه پیام‌ها و احکامی هم که حضرت امام در مورد دفاع مقدس به مناسبت‌های مختلف صادر کرده اند، در این کتاب گردآوری شده است.

قاضی در خصوص نحوه نگارش کتاب اظهار کرد: در ابتدای مطلب هر روز، موضوع، مکان و مخاطب سخنان حضرت امام (ره) ذکر شده و کتاب تیتر گذاری موضوعی شده است. به عبارت دیگر، کلیدواژه مطلبی که در آن روز حضرت امام (ره) در مورد آن سخنرانی کرده‌اند یا پیامی داده‌اند یا حکمی صادر کرده اند، پیش از شروع مطلب آمده است. نوع نگارش و سبک کتاب کاملاً همانند صحیفه نور حضرت امام است و جلد به جلد جلو آمده است.

وی با اشاره به اینکه تمامی آثار مرکز که در رابطه با حضرت امام خمینی (ره) است موردتأیید مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره) قرارگرفته است، گفت: این کتاب بعدازاینکه آماده شد، مدتی در اختیار این مجموعه بود و بعد از انجام اصلاحات مدنظر این مؤسسه، مجوز انتشار گرفت.

مدیر گروه مطالعات فرهنگی اجتماعی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس با اشاره به مضمون پیام‌ها و سخنرانی‌های امام در کتاب «صحیفه دفاع» عنوان کرد: در سرتاسر این کتاب برکات دفاع مقدس در کلام حضرت امام (ره) دیده می‌شود. تأکید بر کسب تجربه، شکوفایی استعدادها و رسیدن به خودباوری و افزایش اتکای به نفس و اعتمادبه‌نفس از نکات بسیار مهمی است که در صفحه صفحه این کتاب به چشم می‌خورد.

وی با اشاره به اینکه پیوند امام و ملت در دوران دفاع مقدس ازجمله عوامل کلیدی در رسیدن به پیشرفت‌ها است، تصریح کرد: ما در جنگ به پیشرفت‌های بسیار زیادی دست پیدا کردیم و محدودیت‌ها، تحریم‌ها و محاصره‌ها، باعث رشد افراد شده است و امام (ره) در تمامی صحبت‌های خود به‌صورت مکرر به آن اشاره می‌کند.

قاضی ادامه داد: جنگ با تمام دنیا و مقاومت و ایستادگی در برابر آن‌ها، همراهی کردن منافقین با صدام و نمایش چهره واقعی آن‌ها به مردم، رسوایی مدعیان حقوق بشر و پرده برداشتن از جنایت‌های صدام و افشای چهره شرق و غرب از نکات کلیدی کلام حضرت امام در این کتاب است. ارزش‌گذاری آرمان‌های انقلاب، ارج نهادن به مقام شهید و صدور مفاهیمی همچون مقاومت، ایستادگی و پایداری در مقابل استکبار، زورگویان و سلطه‌گران به ملت‌های دیگر از موضوعاتی هستند که امام بر آنها تأکید داشته‌اند.

توضیح دو تن از بنیان‌گذاران ماهنامه «فیلم»، عباس یاری و هوشنگ گلمکانی، درباره رویدادهای اخیر این مجله

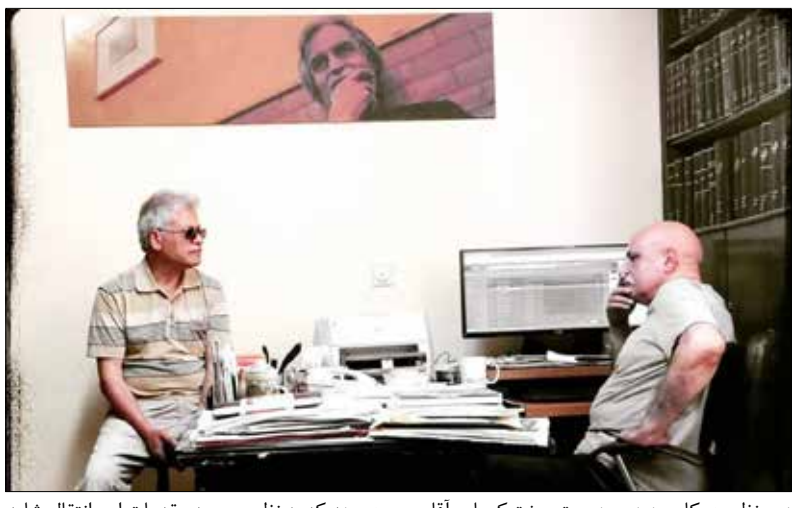

با سپاس از همکاران و همراهان همیشگی «ماهنامه فیلم» که با شنیدن شایعه‌ها و خبرهای نصفه‌نیمه درباره رویدادهای مجله اظهار تأسف و همدلی کرده‌اند، انتظارشان را هم برای شنیدن توضیحی شفاف در این زمینه، کاملا درک می‌کنیم و حق‌شان می‌دانیم.

به گزارش امتیاز واقعیت این است که تا همین چند ماه پیش، فکر نمی‌کردیم امتیاز نشریه هم که یک مجوز فرهنگی است و دارنده‌اش باید «شرایط» لازم را برای دریافت آن داشته باشد، مثل اموال منقول و غیرمنقول به ارث برسد؛ به‌خصوص امتیاز نشریه‌ای با نزدیک به چهل سال قدمت که نقش و جایگاه سه بنیان‌گذارش بر کسی پوشیده نیست. در واقع ما سه نفر بنیان‌گذار مجله، حتی پیش از شروع انتشار «ماهنامه فیلم» همکاری‌مان را شروع کرده بودیم و هنگامی که تصمیم به انتشار مجله گرفتیم، در تقسیم کار بین خودمان، مسئولیت دریافت امتیاز به آقای مسعود مهرابی سپرده شد. ماهنامه «فیلم» این طور شکل نگرفت که چند سال پیش از آن کسی رفته باشد تقاضای امتیاز داده باشد و بعد که امتیاز را گرفت محلی و امکاناتی فراهم کند و کسانی را یک به یک فرابخواند و کم‌کم هسته مرکزی یک مجله را شکل بدهد. چنین شخصی می‌تواند ادعای مالکیت داشته باشد. اما «فیلم» این گونه شکل نگرفت و مسعود مهرابی هیچ گاه در فکر انتشار مجله سینمایی نبود و البته چند سال پیش از آن درخواست انتشار یک نشریه طنز و کاریکاتور به نام «عبید» را کرده بود. حتی در سه شماره اول مجله «فیلم» که یک گاهنامه راهنمای فیلم بود کم‌ترین نقش را داشت و از شماره چهارم در تابستان سال ۶۲ مسئولیت قانونی را به عهده گرفت تا سال ۶۹ که سرانجام امتیاز مجله صادر شد. اما با مسامحه می‌پذیریم که انتشار «فیلم» همزمان توسط سه نفر آغاز شد که هر کدام وظیفه‌ای را به عهده گرفتند.

پس از سال‌ها انتشار مجله، به دلیل اختلاف‌نظرهایی که در جمع وجود داشت، نیاز به تدوین مشارکت‌نامه‌ای احساس شد که نقش و وظیفه هر یک از شرکا و شیوه اداره مجله و آینده آن را روشن کند. در بهار سال ۱۳۸۶ این مشارکت‌نامه زیر نظر همکار عزیز و دوست مشترک‌مان آقای جهانبخش نورایی که منتقد فیلم و در ضمن وکیل دادگستری و مشاور حقوقی است تنظیم شد و شخص ایشان به عنوان حَکَم و داور مرضی‌الطرفین در این مشارکت‌نامه تعیین شدند. در یکی از مواد این مشارکت‌نامه آمده که با مرگ یکی از سه نفر، مشارکت منحل می‌شود و در ماده دیگری تصریح شده که چنان‌چه آقای مهرابی به هر دلیلی قصد ادامه کار مطبوعاتی نداشته باشد و بخواهد امتیاز مجله را به شخص دیگری واگذار کند، اولویت با دو شریک دیگر - یاری و گلمکانی - است.

در مجموع، با توجه به شناختی که از سابقه پنجاه‌ساله مطبوعاتی ما و پیشینه ماهنامه «فیلم» و روند انتشار آن و همچنین نقش و جایگاه هر یک از ما سه نفر در مطبوعات، سینما و کل جامعه فرهنگی وجود دارد تصور نمی‌کردیم که با مرگ هر یک از ما تردیدی برای ادامه کار وجود داشته باشد، و حتی اگر قانون چیز دیگری بگوید می‌توان از تبصره‌ای استفاده کرد که حقوق افراد در موردی چنین روشن، رعایت شود. اما بعد معلوم شد قانون به این چیزها توجه ندارد و پس از مرگ مسعود مهرابی، با شتابی که وارثان به خرج دادند، امتیاز مجله به‌سرعت به فرزندش پویا مهرابی منتقل شد؛ هرچند که به نظر می‌رسد مقدمات این انتقال شاید پیش از مرگ مسعود مهرابی آغاز شده بود. با این حال، ما برخوردی منفی با این روند نکردیم و از این انتقال استقبال کردیم. اما از همان آغاز، وارث محترم که سنی کم‌تر از عمر مجله دارد، بدون تجربه و شناخت از دنیای سینما و مطبوعات و روال کار تقریبا چهل‌ساله مجله «فیلم»، قصد دخالت در مدیریت مجله را کرد و به توصیه‌های ما برای چند سال تجربه‌اندوزی و سپس گرفتن نقش موثر در مدیریت اعتنا نکرد. هر روز که به دفتر مجله می‌رفتیم، می‌دیدیم کارکنان دفتر، حکایت‌ها از برخورد نامتعارف او دارند. چند جلسه‌ای هم که برای توضیح و توجیه و رفع مشکل داشتیم، بی‌فایده بود.

تیر خلاص در اواخر تدارک انتشار شماره ۵۸۱ زده شد. همچنان که همه می‌دانند سال‌هاست در پایان هر دوره جشنواره فجر از نویسندگان و منتقدان مجله برای انتخاب برگزیده‌های‌شان، نظرخواهی می‌کنیم. این نظرخواهی هم متکی به سابقه نویسندگان و شناخته بودن نام و نگاه‌شان برای خوانندگان است. آقای پویا مهرابی هم مایل به شرکت در این نظرخواهی بود. هر چه توضیح دادیم که این نظرخواهی همیشه از کسانی انجام می‌شود که سابقه‌ای در نقد و ادبیات سینمایی دارند و کسی شما را در این عرصه به یاد نمی‌آورد، بی‌فایده بود. گفتیم علاوه بر سنت جهانی این گونه نظرخواهی‌ها، در مجله فیلم هم نویسندگان پس از این که چند سال از نوشتن‌شان می‌گذشت مجاز به شرکت در این نظرخواهی‌ها می‌شدند و پدرت بیش از همه اصرار بر این قاعده و روال داشت.

بی‌فایده بود و همچنان اصرار کرد، با این استدلال که: «من مدیر مسئولم.» و هر چه می‌گفتیم این نظرخواهی از منتقدان و نویسندگان است نه از مدیران مسئول، اصرار ادامه پیدا کرد. پس از سه روز کشمکش و تلاش نامبرده برای وارد کردن نظرهایش به فهرست برگزیدگان، و مقاومت ما، پویا مهرابی در حضور تعدادی از همکاران در اتاق صفحه‌بندی فرمان به اخراج گلمکانی و یاری و شجری‌کهن داد!

از شرح جزییات بامزه ماجرا می‌گذریم. پس از دوسه روز، سرانجام با وساطت یکی از همکاران، او رضایت داد که مجله بدون ورود به نظرخواهی منتشر شود، اما به عنوان آخرین شماره. ما با توجه به شناختی که از نامبرده پیدا کرده‌ایم، ادامه همکاری را مطلقا ناممکن می‌دانیم و او هم بر این تصور است که با در دست داشتن امتیاز انتشار ماهنامه «فیلم»، بدون توجه به حقوق معنوی دو شریک دیگر و سایر نویسندگان مجله مالک مطلق آن است و می‌تواند شخصا درباره‌اش تصمیم بگیرد. همان طوری که قانون، عنوان «فیلم» را متعلق به وارث مسعود مهرابی دانسته، منتظر می‌مانیم تا همان قانون درباره حقوق معنوی تاریخ «فیلم» برای دو شریک و بنیان‌گذار دیگرش تصمیم بگیرد.

بی هیچ تردیدی ما در میراث «فیلم» سهیم هستیم و در ادامه راه، «فیلم» هم جایی است که ما و نویسندگان آشنای مجله حضور داریم؛ حتی اگر قانون، این اسم را متعلق به دیگری بداند و ما با عنوان دیگری کارمان را ادامه بدهیم. فرصت برای تدارک شماره نوروز که از دست رفته، اما شماره بعدی مجله با نامی دیگر، اردیبهشت آینده با حضور فیلمی‌ها منتشر می‌شود.. و - گفتیم و بارها تکرار کردیم که - کشتی به راهش ادامه می‌دهد.

برگزیدگان نخستین جشنواره «نخستین جشنواره تئاتر تجربی مختص» معرفی شدند

موسسه فرهنگی هنری مختص پس از برگزاری «نخستین جشنواره تئاتر تجربی مختص» برگزیدگان خود را معرفی کرد:

به گزارش امتیاز؛ هیأت انتخاب نخستین جشنواره تئاتر تجربی مختص متشکل از مهدی مشهور، حمید پورآذری و نرگس هاشم پور پس از بررسی آثار ارسالی، برگزیدگان بخش ایده هایی برای ارتکاب به اجرا را به شرح ذیل معرفی کردند:

جایزه اول، دیپلم افتخار، تندیس و جایزه نقدی جشنواره تعلق میگیرد به محمد اوحدی حائری برای ایده اجرایی فعل تابو

جایزه دوم، لوح تقدیر و جایزه نقدی جشنواره تعلق میگیرد به البرز صادقی برای ایده اجرایی «؟»

جایزه سوم، لوح تقدیر و جایزه نقدی جشنواره تعلق میگیرد به باران زارع برای ایده اجرایی در دل نامه

لوح تقدیر و جایزه نقدی جشنواره بدون الویت تعلق میگیرد به امیرمحمد ابراهیمی و پویا کاظمی برای ایده اجرایی بازنمایی و وحید زبرجدی برای ایده اجرایی پاندومی

هیأت انتخاب، همچنین برای اجرا در سال دوم جشنواره یک اثر را به صورت قطعی و ۱۲ اثر را برای بررسی بیشتر به دبیرخانه جشنواره معرفی کرد:

ارتکاب اجرای وارم آپ به کارگردانی احسان شایان فرد به صورت قطعی انتخاب و مستقیما در سال دوم جشنواره اجرا خواهد شد.

نمایش های ذیل بدون الویت جهت بررسی بیشتر به دبیرخانه جشنواره معرفی شدند:

۱-منشا انواع (محمد رضا تهرانی فر(
۲-اورستیا (علیرضا خسروآبادی(
۳-فرسا (حامد راد(
۴-باران زارع (در دل نامه(
۵-پاندمی (وحید زبرجدی(
۶-بازنمایی در سه اجرا (امیرمحمد ابراهیمی و پویا کاظمی(
۷-فعل تابو (محمد اوحدی حائری(
۸-»؟» (البرز صادقی(
۹-خوردن و آشامیدن در زمان حال ساده (نازنین صنعت کار(
۱۰-ایدئوگرام (نگین ضیایی(

دو اثر زیر برای حضور در بخش رویداد اجرا معرفی شدند:

۱-ویدیوآرت ممارست (رها امامی(

۲-اکسیون بندانداز (سرمد بختیاری نیا(

لازم به ذکر است حضور هیچ کدام از این ۱۲ اثر در سال دوم جشنواره قطعی نبوده و نحوه بررسی و انتخاب آثار برتر جهت اجرا در سال دوم جشنواره از سوی دبیرخانه اعلام خواهد شد. جشنواره تئاتر تجربی مختص به دبیری علی حجی در بندر گناوه برگزار میشود.

سالگرد تولد امیرهوشنگ ابتهاج

اشک‌هاو لبخندهای «سایه»

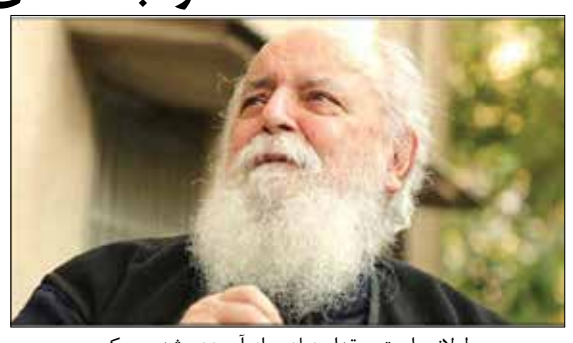

سال گذشته در چنین روزهایی نخستین روزهای نود و سومین سال زندگی «سایه» با شیوع ویروس کرونا در جهان همراه شد که این مسئله «شب شعر در سایه سایه» در شهر کلن آلمان را لغو کرد؛ پس از لغو این دیدار، او در ویدیویی برای مخاطبانش چنین خواند: «این همه راه آمدی، آری/ بنشین، خسته‌ای و حق داری/ نفسی تازه کن، نمی‌دانم / چند مانده است از شب دشوار/ تا رسیدن هنوز باید رفت/ کار سخت است و راه ناهموار».

در امتداد این روزها مخاطبان سایه تنها در شعرهایی تازه با این شاعر دیدار کردند، «داستان آفرینش دوزخ در نیم پرده؛ شبِ هزار شب» شعری بود که ابتهاج آن را در آذرماه ۹۸ سروده بود اما تا پیش از شماره بهاریه «چلچراغ» هنوز منتشر نشده بود و دیگر سروده او در همان زمان که یلدا ابتهاج آن را در تیرماه سال جاری به اشتراک گذاشت، چنین است: «شنیده‌ام که درخت از درخت باخبر است/ و من گمان دارم که سنگ هم از سنگ/ و ذره ذره عالم که عاشقانِ همند/ مگر دلِ تو که بیگانه است با دلِ من.»

داستان دنبَاله‌دار کرونا در جهان مانع از برگزاری جلسات شعرخوانی حضوری برای «سایه» شد اما مخاطبان این شاعر هر از چندگاهی از قابی مجازی با او دیدار می‌کردند. ابتهاج در نشست مجازی برگزارشده توسط خانه ایران (مونیخ) در مردادماه گذشته نخستین جملات خود را این‌گونه بیان کرد: شعرخوانی اگر به صورت درددل نباشد یا مبادله اندیشه و عقاید نباشد، کار بی‌حاصلی است.

او سپس به بیان ماجرای سرایش «ارغوان» پرداخت و گفت که درخت ارغوانی در خانه‌ای که سال‌ها پیش در تهران در آن زندگی می‌کرده داشته و وقتی دیگر در آن خانه نبوده این شعر را به یاد آن خانه و درخت گفته است.

هوشنگ ابتهاج در پاسخ به سوالی درخصوص اثر اجراشده از این سروده توسط علیرضا قربانی این‌چنین ابراز نظر کرد: ظاهرا شنونده‌ها هم از این راضی هستند، من شنیده‌ام که تا مقدمه شروع می‌شود مردم شروع به دست زدن می‌کنند یعنی دیگر آن را می‌شناسند. ولی عیبش این است _ که البته حق هم دارند _ این شعر برای آواز و تصنیف طولانی است، مقدار زیادی از آن زده شده و یک خرده شعر شَل و کور شده، ولی در مجموع حالتی که این شعر به وجود آورده تا حدی در خود شعر جا پایش معلوم است. راستش را به شما بگویم، خواندن این شعر برای من دشوار است، معمولا هم سعی می‌کنم از اول شعر را با لحن دیگری که لحن خودم نیست بخوانم تا به جاهایی که می‌رسد بتوانم به راحتی از آن بگذرم، گاهی هم یادم می‌رود این کار را بکنم و دسته‌گل به آب می‌دهم و خواندن قطع می‌شود.

در دیدار مجازی دیگری که البته کمی قدیمی‌تر (۴ فروردین ۹۸) از زمان انتشارش بود، «سایه» با تارنوازی امیرحسین سام «ارغوان» را خواند.

در این روزها ابراز علاقه مخاطبان او هم انگار رنگ متفاوتی به خود گرفت؛ گروهی از کوه‌نوردان علاقه‌مند به این شاعر صعودشان به قله دماوند را به «سایه» تقدیم کردند.

اما چیزی نگذشت که پیر پرنیان‌اندیش ادبیات فارسی در اندوه کوچ همیشگی نصرت‌الله نوح که در ۲۱ مردادماه از دنیا رفت، نشست و در این اندوه چنین نوشته شد: «دریغ... شاعری دیگر در خاک غریب به خواب ابدی رفت...»

هرچند که این تنها اندوه ۹۳سالگی او از درگذشت هنرمندان نبود؛ «خسرو آواز ایران» رفت و «سایه» در فراغ محمدرضا شجریان گفت :«بارها گفته‌ام که نمی‌توانم ایران را بی بودن شجریان تصور کنم. آن‌قدر زنده ماندم که این مصیبت را هم دیدم: «هر که را می‌خوانم از یاران ایام جوانی/ خاک پاسخ می‌دهد زان‌سوی مرز زندگانی»

شاید باید ۱۰ سال بگذرد که بتوانم شعری برای شجریان بگویم. برای بزرگی این مصیبت کلمه ندارم. کلماتم سست و ضعیف و کم و کوچک و پوک است. نمی‌تواند دردم را بگوید. عاجزم از بیان. باید سال‌ها بگذرد...»

امیرهوشنگ ابتهاج البته پیش‌تر نیز در وصف شجریان چنین گفته بود: «شجریان برای من مثل پسرم است، مثل برادرم است، مثل پدرم است. اصلا مخلوط همه این مناسبات است. خیلی دوستش دارم...»

مخاطبان ابتهاج پس از این در دیدار مجازی دیگری (ویدیو آن مربوط به شهریورماه ۹۹ بود)، همزمان با سالروز درگذشت مرتضی کیوان با یادی از دوست و همراه قدیمی «سایه»، شعر «می‌بینم آن شکفتن شادی را/ پرواز بلند آدمی‌زادی را...» را با صدای او شنیدند.

اما در این روزها در کنار اندوه «سایه» از کوچ هم‌قطارانش، برخی اقدامات از جعل شعری به نام شاعر گرفته تا نسبت دادن متنی جعلی درباره شاهنامه به او نیز بارها سبب نارضایتی‌اش شده است.

یلدا ابتهاج، فرزند او چند روز پیش در آستانه زادروز پدرش نوشت :«در آستانه نود و چهارمین زادروز «سایه» هستیم. شاعری که شعرهایش به دل مردم سرزمینش از نوجوانی تا امروز راه پیدا کرده است. شاعری که همواره همراه مردم ماند. شاعری که زبان سعدی و حافظ، زبان فاخر و شیرین فارسی را چون نگینی گران‌بها در میان جان و زبان خویش گرفت. شاعری که به زبان زیبای فارسی افزود. شاعری که اندیشه و احساس را، مهر و وفاداری را به ما در اشعارش یادآور شد. شاعری که «تشویش» بیگانگی ما را با خود و سرزمین‌مان با «بنشینیم و بیندیشیم...» سرود.

در این دوری همیشه سعی و همت من بر فراهم کردن امکاناتی در صفحات مجازی برای رسیدن اشعار ایشان به دست دوستداران شعر فارسی بوده است. اما بارها دیده شده است که اشعار ایشان با تغییراتی چون میکس موسیقی‌هایی و یا نوشته و گفتارهایی نسنجیده دست به دست شده است. یقینا اگر نیاز به این کار می‌بود حتماً از ابتدا این انجام می‌شد. متاسفانه این کلیپ‌ها اکثراً درخور شعر و حرمت آثار ایشان نیست. ایشان در گفت‌وگویی درباره این مطلب اظهار نارضایتی کردند، که امیدوارم این امر بیشتر مورد توجه قرار بگیرد و اجازه بدهند دیگران از اشعار و صدای ایشان به درستی بهره ببرند و نه با دخالت و سلیقه شخصی افراد. در حفظ و اصالت هنر و حرمت واقعی آن بیشتر کوشا باشیم. و به «اصل و اصالت» ارزش بگذاریم و «بدل و جعلیات» را انتشار ندهیم.»

فرزند هوشنگ ابتهاج پیش‌تر هم نسبت به نقل‌قولی منسوب به این شاعر درباره «پر سوم در شاهنامه» واکنش نشان داده و گفته بود که این نوشته جعلی است. در جنجال ایجادشده توسط کاربران فضای مجازی به دنبال انتشار متن جعلی منسوب به ابتهاج، این شاعر پیشکسوت که البته به کلی از این ماجرا بی‌خبر بود، «آش نخورده و دهان سوخته» هم شد؛ چرا که برخی از کابران درباره این متن درواقع جعلی انتقادهایی را به «سایه» وارد کردند.

هر چند که جعل آثار ادبی به نام سایه تنها به ماجرای «پر سوم» ختم نمی‌شود؛ بر اساس اعلام «کمپین مبارزه با نشر جعلیات» شعرهای «غزل و بوسه و آغوش چه حالی دارد!/ من که یک عمر شکار توام ای کاش شبی/ کبک من باشی و من قوش، چه حالی دارد!...»، «روزگار عجیبی شده است/ حتی وقتی می‌خندیم/ منظورمان چیز دیگری‌ست...»، «برخیز که از غیر تو، مرا دادرسی نیست/ گویی همه خوابند/ کسی را به کسی نیست/ آزادی و پرواز، از آن خاک به این خاک/ جز رنج سفر از قفسی تا قفسی نیست» و ... فقط بخشی از آثار جعل‌شده به نام اوست.

این درحالی است که در واپسین روزهای ۹۳سالگی او خبری‌های خوشی هم رسید: آلبوم «تا صبح شب یلدا»، شعرها و دکلمه امیرهوشنگ ابتهاج بر روی قطعه‌هایی از موسیقی کلاسیک جهان منتشر شد. و «از بن جان»، غزلی تازه از او در شماره نوروزی مجله «بخَارا» به دست خوانندگان رسید؛ «ای به رقص آمده با صد دف و نی در جانم/ دف و نی چیست مَنَت کف زده می‌رقصانم/ این همه عشوه اندیشه رقصانِ من است/ سر و گردن به تماشای که می‌گردانم...»

از طلوع ششم اسفندماه ۱۳۹۹، حالا «سایه» وارد نود و چهارمین سال زندگی خود شده و امید است تا سال نو حیات پیر پرنیان‌اندیش با نارضایتی او از تغییر شعرهایش یا جعل آثاری به نامش همراه نباشد.

اخبار

توسط نشر کتاب طه؛

کتاب «تصوف در افغانستان معاصر» منتشر شد

کتاب «تصوف در افغانستان معاصر» نوشته سید جمال الدین موسوی با مقدمه سید حسن اخلاق به‌تازگی توسط نشر کتاب طه منتشر و راهی بازار نشر شده است. تاریخ فرهنگ افغانستان بعد از اسلام با تصوف نظری و عملی پیوندی ژرف دارد. امروز نیز تصوف از جریان های تأثیرگذار فرهنگی، دینی، اجتماعی و حتی سیاسی در این کشور به شمار می‌رود. علی رغم کارهای صورت گرفته درباره تصوف در افغانستان، تاکنون اثری مضبوط، جامع و نظام‌مند درباره عرفان پژوهی در افغانستان معاصر، طریقت های فعلی افغانستان و بررسی کارکردها و دستاوردهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صوفیان افغانستان انتشار نیافته است.کتاب حاضر نوشته سیدجمال الدین موسوی، پژوهشگری از خطه افغانستان، به این نیاز فرهنگی پاسخ می‌دهد. نخست، از پیشینه عرفان پژوهی در افغانستان معاصر بحث می‌شود. سپس خواننده در سفری از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب افغانستان به دیدار و آشنایی با صوفیان مشهور در طریقت های نقشبندیه، قادریه، چشتیه و سهروردیه می رود. در پایان، کارکردها و دستاوردهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی صوفیان معاصر افغان بررسی و آسیب شناسی می‌شوند.

فهرست مطالب این اثر عبارت است از:

مقدمه سید حسن اخلاق
پیشگفتار نویسنده
فصل اول: پیشینه عرفان پژوهی در افغانستان امروز
فصل دوم: طریقت نقشبندیه
فصل سوم: طریقت قادریه
فصل چهارم: طریقت چِشتیه
فصل پنجم: سهروردیه و سایر طریقت ها
فصل ششم: کارکردها و آسیب شناسی تصوف در افغانستان
منابع
پیوست: خانقاه های افغانستان
نمایه مفاهیم
نمایه گروه ها و جریان ها
نمایه مکان ها
نمایه اشخاص
تصاویر مراکز و مشایخ طریقت افغانستان

در بخشی از مقدمه سید حسن اخلاق آمده است:

برای ارائه هر پاسخی به نسل جدید و تقاضای نو، باید مختصات فمری این نسل و مخاطب به رسمیت شناخته شود.. از میان این خصوصیات باید با نگاه عینیت گرایانه و از پائین به بالا توجه داشت، چیزی که عرفی و انسانی معنویت را برجسته می سازد. جان بشر امروز نیوشای سختی نیست که از حل کردن مشکلات خرد و کلان پیرامونی ناتوان است، ولی داعیه پاسخگویی به پرسشهای کلان ماورائی را دارد. آن حق دارد که بپرسد چطور آنکه از دیدن پیش روی حاضر ناتوان است، در پیشگوئی فردی ناپیدا صادق است؟ این نوع نگرش، منطق کهن بشری است که نه تنها جانی تازه و روایی گسترده یافته است، بر همین اساس هم مخاطبان پیامبران، دلیل صدق اخبار غیبی آنان، چه در امور اخروی و چه در امر مهم و آزمایش ناپذیر سعادت دنیوی را در دریافت نشانه روشن و اعجاز آشکار می جستند. همچنین ایمان به غیب، بدون شناخت موجه شهادت بی معنی می نمود.

بررسی و معرفت طریقتهای رایج تصوف و مشاهیر عرفانی معاصر، پدیده عرشی تصوف و عرفان را بر فرش آورده در مقابل دیدگان ما قرار می دهد. این به معنای التفات به وجه بشری معرفت قدسی است؛ چیزی که حمل این بار سهمگین امانت را آسان و دوستانه می سازد و راه ارتباط درونی و پویایی وجودی را فراهم می سازد. حال به صراحت می افزایم که گذشته از خدمت به عرفان و تصوف، این اثر خدمتی بزرگ به روشنفکری و نواندیشی دینی است، زیرا روشنفکران و نواندیشان دینی در بررسی و مقایسه جریانات فکری در جهان اسلام معمولاً در تاریکی مغالطه در می افتند، هرچند پژوهشهای فلسفه و کلان و تفسیر و اخلاق در جهان اسلام دستاوردهای ارزشمندی داشته است ولی نمی توان فراموش کرد که فضای غالب در جهان اسلام فضای فقه و تصوف بوده است. تصوف در افغانستان به خوبی نشان می دهد که نباید عرفان و تصوف را به چند شخصیت برجسته و اندیشه متمایز تحویل برد و از واقعیت غفلت ورزید.

در بخشی از پیشگفتار نویسنده نیز آمده است:

این نوشتار به منظور برطرف کردن اندکی از کاستی های موجود در تاریخ عرفان و تصوف سده های اخیر و نیز دوره معاصر افغانستان پدید آمده است. همچنین در این اثر به دنبال آن بوده ام که پیشینه تصوف پژوهی و نیز جایگاه طریقتهای صوفیه در افغانستان دوره معاصر را نشان دهم به ویژه که این طریقت ها در عرصه های دینی و مذهبی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی افغانستان سده های اخیر اهمیت قابل توجهی داشته اند نیز از آن رو که در سه دهه اخیر با رشد برخی جریانهای بنیادگرا و افراطی در حال به حاشیه رانده شدن هستند.

با این رویکرد به دنبال آن بوده ام که ببینم در سده اخیر، چه کسانی در افغانستان عرفان و تصوف را به عنوان یک جریان فکری مورد مطالعه قرار داده اند و دستاورد این مطالعات را در قالب چه آثاری نمایان شده است؟ مشایخ طریقت و عرفای کمتر شاخته شده افغانستان تا سه سده قبل و سه سده اخیر چه کسانی بوده اند؟ تصوف در قالب کدام طریقتها در سه قرن اخیر در افغانستان رواج داشته است؟ عرفان و تصوف چه کارکردها و دستاوردهایی برای مردم و جامعه افغانستان داشته است؟ نیز تبیین نقطه ضعف ها و آسیبهایی که تصوف را در وضعیت امروزین آن در افغانستان تهدید می کنند.

کتاب «تصوف در افغانستان معاصر» نوشته سید جمال الدین موسوی با مقدمه سید حسن اخلاق پژوهشگر و محقق دانشگاه های پرینستون و بوستون و عضو هیئت علمی دانشگاه ایالتی کاپن به همت نشر کتاب طه در ۲۹۶ صفحه به بهای ۷۵ هزار تومان منتشر شد.